



Moral Resistance in Everyday Life: An Ethical Explanation of the Continuation of Social Roles Based on the Theory of Existential Proportionality

Mohammad Ali Mobini

Associate Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Institute of Islamic Philosophy and Theology, Department of Moral Philosophy. Corresponding Author

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

Maliheh Ghodrati

Level 3 in Islamic Theology, Zahra Seminary, Meybod.

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

Abstract

Human societies face disruption in everyday life during crises such as war and insecurity. In such conditions, some individuals stop performing their social roles, while others, despite the pressures, continue their family, professional, and social responsibilities. The question of this research is what ethical meaning this perseverance carries. With an analytical-conceptual approach and relying on the theory of “existential proportionality” and the teachings of the Holy Quran, the research shows that the responsible continuation of roles under crisis conditions is a kind of “moral resistance”; because the voluntary agent consciously acts to preserve or strengthen proportionality and harmony within the network of human relations. Within this framework, persistence in performing roles prevents the collapse of social relations and helps sustain moral and social order.

Keywords: theory of existential proportionality, moral resistance, performance of social roles, crisis ethics, family.



المقاومة الأخلاقية في الحياة اليومية: تبين أخلاقي لاستمرار الأدوار الاجتماعية على أساس نظرية التناسب الوجودي

محمد علي ميني

محمد علي ميني، أستاذ مشارك في معهد بحوث العلوم والثقافة الإسلامية في قم، معهد الفلسفة والكلام الإسلامي، قسم فلسفة الأخلاق. الباحث المسؤول

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

مليحة قدرتي

طالبة حوزوية في المستوى الثالث في علم الكلام الإسلامي، المدرسة العلمية حضرت الزهراء (ع) في ميبد

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

المخلص

تواجه المجتمعات الإنسانية اضطراباً في الحياة اليومية في أزمات مثل الحرب وانعدام الأمن. وفي هذه الظروف، يتوقف بعض الأفراد عن أداء أدوارهم الاجتماعية، لكن مجموعة أخرى تواصل، رغم الضغوط، مسؤولياتها الأسرية والمهنية والاجتماعية. والسؤال الذي يطرحه هذا البحث هو: ما المعنى الأخلاقي لهذا الثبات؟ ويُظهر البحث، من خلال مقارنة تحليلية-مفهومية وباعتماد على نظرية «التناسب الوجودي» وتعاليم القرآن الكريم، أن الاستمرار المسؤول في الأدوار في ظروف الأزمة يُعد نوعاً من «المقاومة الأخلاقية»؛ لأن الفاعل المختار يبادر بوعي إلى حفظ التناسب والانسجام في شبكة العلاقات الإنسانية أو تعزيزهما. وفي هذا الإطار، فإن الثبات على أداء الأدوار يمنع انهيار العلاقات الاجتماعية ويساعد على استمرار النظام الأخلاقي والاجتماعي. الكلمات المفتاحية: نظرية التناسب الوجودي، المقاومة الأخلاقية، أداء الدور الاجتماعي، أخلاق الأزمات، الأسرة.

مقاومت اخلاقی در زندگی روزمره: تبیین اخلاقی استمرار نقش‌های اجتماعی بر اساس نظریه تناسب وجودی

محمد علی مبینی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، گروه فلسفه اخلاق.
(نویسنده مسئول)

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

ملیحه قدرتی

طلبه سطح ۳ رشته کلام اسلامی، مدرسه علمیه حضرت زهرا(س) میبد.

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

چکیده

بحران‌هایی نظیر جنگ، بلایای طبیعی و آشفتگی‌های سیاسی، نظم زندگی روزمره و استمرار ایفای نقش‌های اجتماعی را با چالشی جدی مواجه می‌کنند. در چنین شرایطی، در حالی که برخی افراد از مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و حرفه‌ای خود فاصله می‌گیرند، گروهی دیگر با پایداری آگاهانه به ایفای نقش‌های خویش ادامه می‌دهند. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین اخلاقی این پایداری و واکاوی پشتوانه نظری آن است. این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی-مفهومی و تکیه بر نظریه «تناسب وجودی» و آموزه‌های قرآنی، استدلال می‌کند که استمرار مسئولانه نقش‌ها در شرایط بحران، فراتر از یک وظیفه معمول، نوعی «مقاومت اخلاقی» است. براساس این نظریه، کنشگر با حفظ پیوندهای انسانی، مانع از فروپاشی نظم اجتماعی شده و به تحقق هماهنگی وجودی کمک می‌کند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت اخلاقی، فرایندی چندساحتی است که با پاسداشت جایگاه وجودی دیگران، به تعادل روابط و تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه در بحران می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: نظریه تناسب وجودی، مقاومت اخلاقی، ایفای نقش اجتماعی، اخلاق بحران، خانواده.

مقدمه

زندگی اجتماعی همواره در معرض بحران‌هایی است که امنیت و نظم روزمره را تهدید می‌کنند؛ مانند جنگ، بلایای طبیعی یا آشفتگی‌های سیاسی که افراد را با تصمیم‌های دشوار اخلاقی روبه‌رو می‌سازد. در این شرایط، برخی از ایفای نقش‌های خود دست می‌کشند، اما گروهی دیگر همچنان بر مسئولیت‌هایشان پایدار می‌مانند؛ پزشکانی که در جبهه خدمت می‌کنند، معلمانی که در محیط‌های ناامن آموزش را رها نمی‌کنند و والدینی که در فشارهای اجتماعی از آرامش خانواده پاسداری می‌کنند.

این پایداری در ظاهر ادامه تعهد حرفه‌ای یا خانوادگی است، اما در سطحی عمیق‌تر معنایی اخلاقی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که این استمرار چگونه واجد ارزش اخلاقی می‌شود و پشتوانه نظری آن چیست؟ با تکیه بر نظریه «تناسب وجودی» و برخی آموزه‌های قرآنی، نشان داده می‌شود که پایداری در ایفای نقش‌ها نوعی کنش اخلاقی و نمود «مقاومت اخلاقی» است؛ زیرا به حفظ تناسب در روابط انسانی و استمرار نظم اجتماعی یاری می‌رساند.

۱. تناسب وجودی؛ چارچوب اخلاقی روابط و نقش‌ها

تناسب وجودی؛ چارچوب اخلاقی روابط و نقش‌ها نظریه «تناسب وجودی» ارزش اخلاقی را در برقراری رابطه‌ای هماهنگ و متناسب میان موجودات می‌داند؛ رابطه‌ای که در آن جایگاه و حق هر طرف رعایت می‌شود (مبینی، ۱۳۹۲،



ص ۶). هنگامی که این تناسب در عرصه کنش اختیاری انسان تحقق یابد، عمل اخلاقی شکل می‌گیرد؛ زیرا عامل با توجه به موقعیت خود و دیگران، رابطه‌ای را پدید می‌آورد که آن‌ها را در جایگاه وجودی شان حفظ و تقویت می‌کند (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۴). از این منظر، ارزش اخلاقی تابع پیامدهای سودمند نیست، بلکه ریشه آن در خود تناسب برقرارشده در رابطه نهفته است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۶).

جامعه انسانی بر شبکه‌ای از روابط و نقش‌ها استوار است و هر فرد در جایگاهی مشخص، مسئولیتی بر عهده دارد. ایفای این نقش‌ها نوعی رابطه انسانی می‌سازد؛ از رابطه پزشک و بیمار و معلم و شاگرد تا پیوند والد و فرزند یا شهروند و جامعه. تداوم حیات اجتماعی زمانی امکان‌پذیر است که این نقش‌ها به درستی ایفا شوند و تناسب میان طرفین حفظ گردد.

بر پایه نظریه تناسب وجودی، انجام مسئولانه نقش‌های اجتماعی خود تحقق تناسب در روابط انسانی است؛ زیرا در آن جایگاه و حقوق هر طرف رعایت می‌شود، و در مقابل، سستی یا رها کردن مسئولیت‌ها این تناسب را مختل کرده و به آشفتگی نظم اجتماعی می‌انجامد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۸). این چارچوب در ادامه مبنای تحلیل «استمرار نقش‌ها در بحران» به عنوان کنشی اخلاقی و عامل حفظ تعادل روابط اجتماعی قرار می‌گیرد.

۲. مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر اساس نظریه تناسب وجودی

مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر اساس نظریه تناسب وجودی برای تحلیل

«مقاومت اخلاقی» در شرایط بحران، می‌توان مدلی مرحله‌مند برپایه نظریه تناسب وجودی ارائه کرد. این نظریه نشان می‌دهد مقاومت اخلاقی صرفاً واکنشی روانی نیست، بلکه فرایندی اخلاقی - وجودی است که در بستر روابط انسانی و با نظریه افق توحیدی معنا می‌یابد. مطابق این نظریه، ارزش اخلاقی زمانی تحقق دارد که عامل مختار آگاهانه برای برقراری یا حفظ رابطه‌ای متناسب اقدام کند؛ رابطه‌ای که در آن جایگاه وجودی طرفین رعایت شود. از این رو، مقاومت اخلاقی یکی از روشن‌ترین مصادیق کنش اخلاقی در بحران است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). این فرایند را می‌توان در چهار مرحله تحلیل کرد:

مرحله اول: ادراک جایگاه وجودی و شبکه نسبت‌ها نخست، فرد باید جایگاه خود را در شبکه روابط انسانی بشناسد؛ زیرا در نظریه تناسب وجودی هیچ کنش اخلاقی بدون فهم حداقلی از نسبت‌ها امکان‌پذیر نیست. بحران‌ها این فهم را با ابهام و سردرگمی تهدید می‌کنند. مقاومت اخلاقی در این سطح یعنی حفظ معنا و نپذیرفتن فروکاست نقش‌ها به بی‌اهمیتی. نظریه تناسب وجودی یادآور است که اخلاق تنها در رفتار ظاهر نمی‌شود، بلکه ساحت شناختی انسان را نیز دربرمی‌گیرد و حفظ این ادراک بخشی از کنش اخلاقی است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

مرحله دوم: پذیرش مسئولیت و جهت‌گیری ارادی پس از شناخت جایگاه، فرد باید به‌طور ارادی مسئولیت‌های برخاسته از آن را بپذیرد. این پذیرش، جهت‌گیری‌ای درونی برای حفظ تناسب روابط است، نه نتیجه فشار بیرونی. از



نگاه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی زمانی شکل می‌گیرد که کنش از اراده مختار برآید؛ استمرار ناشی از اجبار یا عادت اگرچه مفید، الزاماً اخلاقی نیست (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). بحران‌ها این مرحله را دشوار می‌سازند، زیرا میل به کناره‌گیری و ناامیدی تقویت می‌شود. مقاومت اخلاقی یعنی غلبه بر این گرایش‌ها و نگه‌داشتن نیت برای ایفای نقش متناسب.

مرحله سوم: استمرار در ایفای نقش‌های اجتماعی مرحله سوم بروز بیرونی مقاومت اخلاقی است. فرد برپایه شناخت و نیت خویش به ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، حرفه‌ای یا اجتماعی ادامه می‌دهد. در نظریه تناسب وجودی، عمل اخلاقی عملی است که جایگاه وجودی عامل و دیگران را حفظ یا تقویت کند. استمرار نقش‌ها در بحران دقیقاً چنین نقشی دارد؛ زیرا مانع گسست روابط و فروپاشی نظم اجتماعی می‌شود. در این نگاه، ادامه دادن کار درست صورتی اصیل از مقاومت اخلاقی است و بسیاری از مصادیق آن در همین پایداری آرام و روزمره تحقق می‌یابد.

مرحله چهارم: تحقق تناسب وجودی فراگیر و زیبایی اخلاقی در نهایت، استمرار مسئولانه نقش‌ها به ایجاد هماهنگی و تناسب در روابط فردی و اجتماعی می‌انجامد؛ هماهنگی‌ای که می‌توان آن را زیبایی اخلاقی نامید. ارزش این تناسب تنها کارکردی نیست و دارای ارزش مستقل اخلاقی است. در افق توحیدی نظریه تناسب وجودی، کامل‌ترین شکل تناسب، هماهنگی انسان با خداوند است. هنگامی که فرد انجام مسئولیت‌های خود را در نسبت با خداوند

می‌بیند، در تحقق این تناسب فراگیر سهمیم می‌شود؛ تناسبی که غایت نهایی اخلاق و جلوه‌ای از زیبایی مطلق است.

۳. دلالت‌های نظری

دلالت‌های نظری مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر پایه نظریه تناسب وجودی، افزون بر تبیین پایداری اخلاقی در بحران، چند دلالت بنیادین برای فهم ماهیت اخلاق در زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد.

نخست، مقاومت اخلاقی را نمی‌توان به مفاهیم سیاسی یا روان‌شناختی فروکاست. در رویکردهای رایج، مقاومت معمولاً به ایستادگی در برابر تهدید بیرونی یا تلاش برای بقا محدود می‌شود؛ اما در نظریه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی نه وابسته به پیامدهاست و نه تابع سود فردی یا جمعی. در این چارچوب، مقاومت اخلاقی تلاشی آگاهانه برای حفظ یا برقراری رابطه‌ای متناسب در شبکه روابط انسانی است؛ ارزشی که مستقل از نتایج بیرونی معنا می‌یابد.

دلالت دوم، چندساحتی بودن مقاومت اخلاقی است. این مفهوم تنها رفتار بیرونی نیست، بلکه فرایندی شامل ساحت‌های شناختی، گرایشی و عملی انسان است. مقاومت از شناخت جایگاه فرد در شبکه روابط آغاز می‌شود، با پذیرش ارادی مسئولیت و نیت اخلاقی تداوم می‌یابد و در استمرار ایفای نقش‌ها تحقق می‌یابد. بدین سان، حتی حفظ امید، نیت صادقانه یا احساس وظیفه در



بحران، می‌تواند بخشی از کنش اخلاقی محسوب شود.

دلالت سوم، تأکید بر ماهیت رابطه محور اخلاق است. نظریه تناسب وجودی اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد انتزاعی نمی‌داند، بلکه آن را کیفیت روابط میان موجودات می‌داند که در آن حق و جایگاه طرفین رعایت می‌شود. استمرار نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در بحران، حفظ همین جایگاه‌ها و جلوگیری از فروپاشی شبکه روابط انسانی است؛ ازاین‌رو، مقاومت اخلاقی در سطح اجتماعی پاسداری از نظم وجودی جامعه به شمار می‌آید.

دلالت چهارم، توجه به افق الهی اخلاق است. در این نظریه، کامل‌ترین شکل تناسب زمانی حاصل می‌شود که رابطه انسان با خداوند نیز در نظر گرفته شود؛ زیرا خداوند مرجع نهایی همه روابط است. بدین‌سان، کنش اخلاقی مشارکت در تحقق تناسبی فراگیر میان انسان، جهان و خداست. فردی که مسئولیت خویش را در نسبت با خدا می‌بیند، در هماهنگی وجودی جهان سهیم می‌شود و در مسیر زیبایی اخلاقی گام می‌گذارد.

براین اساس، مقاومت اخلاقی نه واکنشی به بحران، بلکه کوششی برای حفظ نظم وجودی روابط و مشارکت در هماهنگی اخلاقی عالم است؛ برداشتی که میان اخلاق فردی، نظم اجتماعی و افق توحیدی زندگی پیوند برقرار می‌کند. چنان‌که رهبرانقلاب اسلامی می‌فرمایند: «مقاومت اخلاقی نوعی استقامت مبتنی بر ایمان و فضایل اخلاقی است که در آن فرد یا جامعه برای حفظ حق، عدالت و کرامت انسانی در برابر ظلم و فشارها ایستادگی می‌کند» (بیانات

۳/۳/۱۳۸۸، دیدار با بسیجیان).

۴. اخلاق ایفای نقش در شرایط بحران

اخلاق ایفای نقش در شرایط بحران شرایط بحران بسیاری از الگوهای عادی زندگی اجتماعی را مختل می‌کند و افراد را با فشارهای روانی، اقتصادی و امنیتی روبه‌رو می‌سازد. احساس ناامنی معمولاً انگیزه استمرار فعالیت‌های روزمره را کاهش داده و گرایش به کناره‌گیری از مسئولیت‌ها را تقویت می‌کند.

با این حال، تجربه‌های تاریخی نشان داده است که در سخت‌ترین وضعیت‌ها نیز گروهی از افراد نقش‌های خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی خود را رها نمی‌کنند. این پایداری را نمی‌توان صرفاً به تعهد شغلی یا عادت نسبت داد؛ بلکه در لایه‌ای عمیق‌تر نمود نوعی استقامت اخلاقی است. در این چارچوب، ادامه کار پزشک، ایستادگی معلم در کلاس، مراقبت والدین از خانواده و مسئولیت‌پذیری شهروندان، همگی مصادیقی از حفظ تناسب در روابط انسانی‌اند.

مقاومت اخلاقی به مثابه حفظ نظم زندگی مفهوم مقاومت معمولاً در ادبیات سیاسی و نظامی به ایستادگی در برابر دشمن بیرونی اشاره دارد؛ اما در سطحی عمیق‌تر می‌توان از مقاومتی سخن گفت که در دل زندگی روزمره شکل می‌گیرد و هدف آن پاسداری از نظم انسانی و اخلاقی جامعه است. در بحران‌ها، تهدید اصلی فروپاشی نظم زندگی است: ناامنی، کاهش اعتماد، اختلال در خدمات

عمومی و تضعیف امید اجتماعی، پیوندهای انسانی را سست می‌کند. در چنین وضعیتی، استمرار مسئولانه فعالیت‌های مهمی چون آموزش، درمان، کار، تربیت فرزندان و حمایت عاطفی نقشی اساسی در حفظ ساختار اجتماعی دارد.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، این پایداری تلاشی برای حفظ تناسب در شبکه روابط انسانی است؛ زیرا هر نقش بخشی از این شبکه است و تداوم آن به معنای دوام روابط متناسب میان افراد جامعه است. بنابراین، فردی که در شرایط دشوار به مسئولیت خود پایبند می‌ماند، در حقیقت از اختلال و گسست در این شبکه جلوگیری می‌کند (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۹).

قرآن کریم نیز به چنین پایداری‌ای فرمان می‌دهد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲). هرچند خطاب آیه به پیامبر اسلام ﷺ است، عبارت «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» نشان می‌دهد که مؤمنان نیز در این دعوت به استقامت شریک‌اند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۱، ص ۶۴). واژه «تاب» در معنای بازگشت به سوی خدا همه مؤمنان را دربرمی‌گیرد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۷ش، ج ۵، ص ۲۹۵). با توجه به سیاق آیات - که پس از بیان سرگذشت امت‌های پیشین و یادآوری قیامت آمده - مقصود آن است که پیامبر و همراهانش باید بر مسیر حق ثابت قدم بمانند (جعفری‌نیا، ۱۳۹۷ش، ج ۵، ص ۲۹۴).

از این منظر، استقامت تنها ایستادگی در میدان نبرد نیست، بلکه به معنای ماندن در جای درست و پایدار ماندن بر مسیر حق است. بدین سان، استمرار آگاهانه در انجام مسئولیت‌های روزمره می‌تواند مصداقی از استقامت اخلاقی و



جلوه‌ای از «مقاومت اخلاقی» در حیات اجتماعی باشد.

ارزش اخلاقی ماندن در جایگاه مسئولیت یکی از تهدیدهای جدی دوران بحران، شکل‌گیری این تصور است که «نقش فردی بی‌اهمیت است». هنگامی که افراد احساس کنند حضور یا غیاب‌شان تأثیری در سرنوشت جامعه ندارد، تمایل به کناره‌گیری افزایش می‌یابد و این امر به انفعال اجتماعی و در نهایت تضعیف نظم جمعی می‌انجامد.

زندگی اجتماعی بر شبکه‌ای از نقش‌های مکمل استوار است؛ هر فرد بخشی از این شبکه را می‌سازد و اختلال در هر بخش می‌تواند کل نظام را تحت تأثیر قرار دهد. نقش‌هایی چون پزشک، معلم، کارگر، مدیر، پژوهشگر یا والد، گرچه متفاوت‌اند، اما در استمرار زندگی اجتماعی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و هماهنگی آن‌ها شرط حفظ نظم جامعه است.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی پایبندی به مسئولیت از آن روست که فرد با وفاداری به موقعیت خویش، تناسب و تعادل روابط انسانی را پاسداری می‌کند. انجام درست وظیفه به معنای ادای حق رابطه‌ای است که فرد با دیگران دارد و این امر جایگاه وجودی اشخاص را در شبکه روابط اجتماعی تقویت کرده و جامعه را از آشفتگی دور می‌سازد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۹).

خانواده؛ کانون پایداری اخلاقی در بحران خانواده از نخستین عرصه‌هایی است که نشانه‌های بحران در آن آشکار می‌شود. بحران‌های اجتماعی پیش از آنکه ساختارهای کلان را مختل کنند، ابتدا بر روحیه افراد و فضای عاطفی خانه

اثر می‌گذارند؛ از این رو، تزلزل روانی و عاطفی خانواده‌ها جامعه را از درون آسیب‌پذیر می‌سازد.

به همین دلیل، خانواده را می‌توان مهم‌ترین کانون مقاومت اخلاقی در شرایط بحران دانست. خانواده‌ای که در میان فشارهای اجتماعی پیوندهای عاطفی خود را حفظ کرده و اعضایش نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند، عملاً به استمرار نظم اخلاقی جامعه کمک می‌کند. پایداری اخلاقی در خانواده زمانی تحقق می‌یابد که اعضا - به‌ویژه صاحبان نقش‌های محوری - بتوانند با تعادل روانی، حمایت متقابل و مدیریت عاطفی، فضای خانه را از یأس و آشفتگی دور نگه دارند. والدینی که در شرایط دشوار همچنان به تربیت، مراقبت و ایجاد آرامش می‌پردازند، نمونه بارز این پایداری‌اند.

در چارچوب نظریه تناسب وجودی، روابط خانوادگی هنگامی ارزش اخلاقی دارند که جایگاه وجودی هر عضو محترم شمرده شده و هرکس مسئولیت متناسب با موقعیت خود را ایفا کند. چنین روابطی نوعی تناسب پایداری در خانواده ایجاد می‌کند که به سلامت اخلاقی جامعه منتهی می‌شود (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۸).

افق الهی مسئولیت و پایداری در نگاه دینی، مسئولیت انسان تنها در نسبت با جامعه تعریف نمی‌شود، بلکه در افق الهی معنا می‌یابد. مؤمن زندگی خویش را در محضر خداوند می‌بیند؛ از این رو حتی فعالیت‌های عادی، اگر با نیت الهی همراه باشند، شأنی متعالی پیدا کرده و به رفتاری اخلاقی و عبادت‌گونه تبدیل

می‌شوند. این نگرش سبب می‌شود که فرد در شرایط دشوار دچار احساس بیهودگی نشود و تلاش‌های خود را همچنان معنادار بداند.

این رویکرد در نظریه تناسب وجودی نیز نقشی اساسی دارد. کامل‌ترین شکل تناسب زمانی تحقق می‌یابد که رابطه انسان با خداوند نیز در نظر گرفته شود؛ زیرا نیت الهی می‌تواند کنش‌های مسئولانه را در مسیر ایجاد نوعی تناسب گسترده در روابط انسانی قرار دهد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳). بنابراین حتی انجام وظایف معمول روزمره. اگر با جهت‌گیری الهی انجام شود. بخشی از تحقق تناسب وجودی و نظم اخلاقی به شمار می‌آید.

بر همین اساس، سهم افراد در مقاومت اخلاقی محدود به میدان‌های آشکار نیست. هرکس که در شرایط سخت، مسئولیت‌های خانوادگی، اجتماعی یا حرفه‌ای خود را با ثبات، درست‌کاری و نیت الهی انجام دهد، در حفظ پایداری اخلاقی جامعه سهیم است. این پایداری هم به استمرار نظم اجتماعی کمک می‌کند و هم بیانگر تعهد انسان در برابر خداوند و دیگران است.

نتیجه‌گیری جنگ و بحران، میدان آزمون ارزش‌های اخلاقی‌اند؛ زیرا نظم عادی زندگی را برهم می‌زنند و افراد را در معرض فشارهای روانی و اجتماعی قرار می‌دهند. با این حال، استمرار مسئولانه در ایفای نقش‌های اجتماعی می‌تواند انسجام و پایداری جامعه را حفظ کند.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، کنش اخلاقی زمانی ارزشمند است که انسان به صورت آگاهانه تناسب و تعادل را در روابط انسانی برقرار سازد و جایگاه وجودی



دیگران را پاس بدارد. از این منظر، ایفای درست نقش‌ها در شرایط بحران تلاشی برای حفظ تناسب در شبکه روابط انسانی و صیانت از نظم اجتماعی است؛ تلاشی که جلوه‌ای از زیبایی اخلاقی در هماهنگی و تعادل میان انسان‌ها را آشکار می‌سازد.

بنابراین، مقاومت تنها در کنش‌های استثنایی و میدان‌های آشکار معنا نمی‌شود؛ بلکه در پایداری اخلاقی انسان‌ها در زندگی روزمره نیز تحقق می‌یابد. این پایداری از خانواده تا عرصه‌های اجتماعی و حرفه‌ای - جامعه را از فروپاشی محافظت کرده و بنیادهای اخلاقی آن را استوار نگه می‌دارد. نوآوری مقاله نیز در همین است که استمرار نقش‌های روزمره را نه صرفاً یک وظیفه عملی، بلکه صورت‌بندی‌ای از مقاومت اخلاقی در افق تناسب وجودی تفسیر می‌کند.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

۱. جعفری نیا، یعقوب (۱۳۷۷). تفسیر کوثر. قم: اسوه.
۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). هنر زیبایی از دیدگاه اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۱). تفسیر قرآن مهر. قم: دار العلم.
۵. سایت رهبری بیانات، خرداد ۱۳۸۸.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۶). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. مبینی، محمد علی (۱۳۹۲). تناسب و سازگاری وجودی به منزله ارزش بنیادین. فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، ش ۶۹،